دیدگاه

محاصره؛ خط‌شکن یا قاعده‌شکن؟

محمد ولایی | اظهارات سخنگوی وزارت خارجه درباره شکستن محاصره دریایی، بار دیگر این پرسش را پیش روی کشور قرار داده که مقابله با محاصره آمریکا قرار است با چه سازوکاری انجام شود؟ اسماعیل بقایی با تأکید بر اینکه محاصره دریایی مصداق بارز جنایت و همانند حمله نظامی است، اعلام کرد: چنین وضعیتی تحمل نمی‌شود. ایران حق دارد از هر ابزار سیاسی و نظامی برای دفاع از خود و شکستن محاصره استفاده کند.

در روزهای گذشته خبرهای متناقضی درباره حرکت نفتکش‌های ایرانی برای شکستن محاصره منتشر شده بود؛ از گزارش دریافت محموله نفتی از یک شناور دیگر در خلیج فارس تا انتشار خبر حرکت نفتکشی با نام «خط‌شکن» که بعداً مشخص شد سیگنال شناسایی آن ساختگی بوده و چنین شناوری وجود خارجی نداشته است. همچنین خبرهایی درباره تجمع نفتکش‌ها در اطراف پایانه خارک منتشر شده بود که آن هم از سوی بقایی به گمانه‌زنی رسانه‌ای تعبیر شد.

واقعیت آن است که این مسئله با عبور یک یا چند کشتی از خط محاصره حل نمی‌شود و شکستن آن نیازمند تغییر معادلات راهبردی است.

چه اینکه دشمن امکان تداوم فشار و گسترش آن به سایر آب‌های بین‌المللی را دارد و در روزهای اخیر نیز دامنه اجرای محاصره را به شناورهای حامل محموله ایرانی گسترش داده است.

بنابراین راه مقابله با محاصره را صرفاً نباید در دور زدن آن یا عبور تعدادی کشتی جست. باید سازوکاری برقرار کرد که امکان تداوم چنین جنایتی را از میان بردارد. درست است که راه نفس اقتصاد ایران از دریا می‌گذرد؛ اما راه شکستن محاصره نیز از تبدیل ظرفیت جغرافیایی هرمز به یک نظم پایدار و استفاده از قابلیت‌های بازدارنده نظامی عبور می‌کند.

مهم‌ترین پیش‌نیاز شکستن واقعی محاصره، تثبیت ترتیبات ایرانی در تنگه هرمز است؛ یعنی بسته شدن کامل مسیر جنوبی که به گذرگاهی برای دور زدن ترتیبات ایران و ادامه فشار بر کشورمان تبدیل شده و محوریت یافتن مسیر ایمن شمالی با ارائه خدمات ناوبری و پرداخت تعرفه‌های لازم.

شناورهایی که در چارچوب این ترتیبات در تنگه هرمز تردد می‌کنند، خود می‌توانند مهم‌ترین ابزار بی‌اثر کردن محاصره باشند و بخشی از سازوکار عملی شکستن محاصره را تشکیل دهند؛ چراکه همراهی آن‌ها با قواعد جدید، نتیجه‌ای جز شکل‌گیری نظم جدید نخواهد داشت.

این ترتیبات نمی‌تواند به محدوده محدود تنگه هرمز محدود بماند و همان طور که پیش‌تر سپاه پاسداران منطقه نظارت و مدیریت دریایی ایران را تا جنوب بندر فجیره اعلام کرده بود، تثبیت و عملیاتی کردن این چارچوب، اهمیتی معادل خود تنگه هرمز دارد؛ چراکه امنیت تنگه را نمی‌توان از مسیرهای موازی و مبادی دور زدن تنگه جدا کرد.

از سوی دیگر شکست این محاصره تجاوزکارانه در گرو عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از محیط امنیتی پیرامون ایران است؛ جایی که دشمن در نزدیکی سواحل ایران و مسیرهای دریایی منتهی به دریای عمان، امکان اعمال محاصره یا تهدید شناورهای ما را فراهم کرده است. اعلام هشدارهای لازم و برخورد نظامی با ناوهای دشمن، محک مناسبی برای سنجش اراده محاصره خواهد بود.

اما شاید آخرین بخش ماجرا، تعریف مکانیسم واضحی از پاسخ متقابل به تعرض احتمالی به شناورهای ایرانی است. چارچوبی که پیشاپیش، تبعات این تعرض را به روشنی مشخص کند و پاسخ متناسب آن را در ترازوی هزینه و فایده دشمن قرار دهد؛ از قبیل توقیف اموال و کشتی‌ها یا حمله به منافع در دسترس آمریکا.

خبر

عکس حمید وکیلی در فهرست ۱۰۰ عکس برتر سال ۲۰۲۶ مجله تایم قرار گرفت

طاها در آغوش خانواده

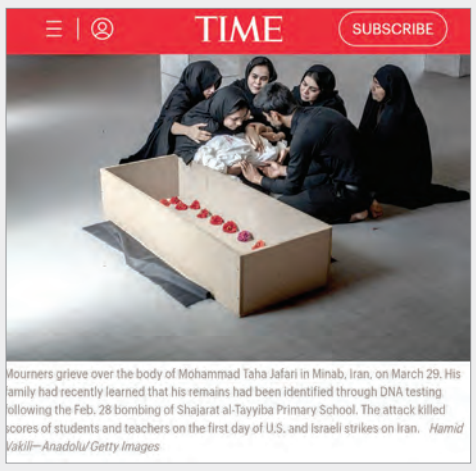

Mourners grieve over the body of Mohammad Taha Jafari in Minab, Iran, on March 29. His family had recently learned that his remains had been identified through DNA testing following the Feb. 28 bombing of Shajarat al-Tayyiba Primary School. The attack killed scores of students and teachers on the first day of U.S. and Israeli strikes on Iran. *Hamid Vakili—Anadolu/Getty Images*

گروه سیاسی | عکس حمید وکیلی از عکاسان رسانه، از لحظه سوگواری خانواده شهید محمدطاها جعفری، یکی از دانش‌آموزان مدرسه شجره طیبه میناب، در فهرست «۱۰۰ عکس برتر سال ۲۰۲۶» مجله آمریکایی تایم قرار گرفته است.

این عکس، لحظه حزن‌انگیزی را نشان می‌دهد که خانواده طاها، پس از حدود یک ماه انتظار و انجام آزمایش دی‌ان‌ای توانسته‌اند بقایای پیکر فرزندشان را در آغوش بکشند.

در توضیح رسمی تایم آمده است:

«سوگواران در ۲۹ مارس (۹ فروردین ۱۴۰۵) در میناب، ایران، بر پیکر محمد طاها جعفری سوگواری می‌کنند. خانواده او به‌تازگی مطلع شده بودند که هویت بقایای پیکرش پس از حمله ۲۸ فوریه به مدرسه ابتدایی شجره طیبه، از طریق آزمایش دی‌ان‌ای شناسایی شده است. این حمله که در نخستین روز حملات ایالات متحده و اسرائیل به ایران رخ داد، منجر به کشته شدن ده‌ها دانش‌آموز و معلم شد».

شهید محمدطاها جعفری فقط ۹ سال داشت و دانش‌آموز کلاس چهارم مدرسه شجره طیبه بود. او صبح ۹ اسفند ۱۴۰۴ به مدرسه رفت و دیگر بازنگشت. پیکرش نزدیک به یک ماه در میان بقایای سوخته و متلاشی شده گم بود و سرانجام با آزمایش دی‌ان‌ای شناسایی و به خانواده تحویل داده شد.

تشدید کنترل دریایی ایران در واکنش به ادامه محاصره آمریکا

همزمان با بازسازی توان موشکی ما و اختلاف در جبهه دشمن معادلات جنگ را پیچیده‌تر کرده است

سختگیری بیشتر ایران در هرمز



گروه سیاسی | برخورد نفتکش‌ها با مین‌های دریایی و کاهش بیش از ۴۰ درصدی تردد شناورها، هزینه محاصره را افزایش داده است. همزمان، بازسازی توان موشکی ایران و اختلافات تل‌آویو درباره حمله مجدد، معادلات جنگ را پیچیده‌تر کرده است.

■ هرمز؛ تغییر معادله عبور و مرور دریایی

برخورد دو نفتکش دیگر با مین‌های دریایی در تنگه هرمز، در شرایطی رخ داده که ایران کنترل عبور شناورها را سختگیرانه‌تر کرده است. نیروی دریایی سپاه اعلام کرد این نفتکش‌ها هنگام استفاده از مسیرهای غیرمجاز دچار انفجار و آتش‌سوزی شده‌اند. همزمان، ارتش از استقرار سامانه‌های نظارتی جدید و ارتقای قابلیت‌های موجود برای کنترل تنگه خبر داده است. این تحولات را نباید صرفاً مجموعه‌ای از حوادث دریایی دانست. مسئله اصلی، تغییر قواعد عبور از یکی از مهم‌ترین آبراه‌های انرژی جهان است.

ایران با تأکید بر ضرورت هماهنگی شناورها با نیروهای مسلح، عملاً نشان می‌دهد بازگشت کشتیرانی به وضعیت عادی را جدا از ملاحظات امنیتی خود نمی‌پذیرد. پیشنهاد ایران برای بازگشایی تنگه ظرف ۴۸ ساعت نیز همین منطق را دنبال می‌کند. رفع محاصره بنادر ایران و پایان جنگ در تمام جبهه‌ها، پیش‌شرط بازگشت به شرایط عادی اعلام شده است. بنابراین، هرمز برای ایران صرفاً یک موقعیت جغرافیایی نیست؛ بخشی از معادله مقابله با فشار اقتصادی و نظامی آمریکاست.

■ هزینه محاصره؛ محدودیت در تجارت جهانی

اهمیت این راهبرد زمانی روشن‌تر می‌شود که آثار آن بر جریان تجارت دریایی بررسی شود. الجزیره با استناد به داده‌های MarineTraffic گزارش داده تعداد شناورهای ورودی و خروجی خلیج فارس از ۲۲۶ فروند در هفته نخست نوامبر به ۱۲۵ فروند در فاصله ۱۷ تا ۲۳ نوامبر کاهش یافته است؛ افتی بیش از ۴۰ درصد. همچنین در ۲۴ ساعت مورد بررسی این رسانه، تنها ۲۸ شناور با سامانه‌های شناسایی فعال از تنگه عبور کرده‌اند؛ در حالی که پیش از جنگ، روزانه حدود ۱۲۵ تا ۱۴۰ شناور از این مسیر تردد می‌کردند.

این ارقام نشان می‌دهد حتی بدون توقف کامل کشتیرانی، افزایش مخاطرات و محدودیت‌های عبور می‌تواند هزینه قابل توجهی به تجارت انرژی تحمیل کند. این ارزیابی نشان می‌دهد رقابت اصلی بر سر کنترل کامل آبراه نیست، بلکه بر سر تعیین شرایط عبور، هزینه استمرار محاصره و میزان تأثیرگذاری هر طرف بر تجارت منطقه است.

■ بازسازی توان موشکی؛ تکمیل معادله بازدارندگی

در کنار تحولات دریایی، گزارش ۲۴ نوامبر مؤسسه مطالعات جنگ آمریکا از توسعه گونه‌های جدید موشک‌های بالستیک ایران خبر داده است. براساس این ارزیابی، ایران در حال ترکیب پیشران موشک حاج‌قاسم با سرجنگی‌های مانورپذیر موشک‌های خیبرشکن و فتاح است. چنین ترکیبی می‌تواند سرعت موشک در مرحله پایانی پرواز را افزایش داده و زمان واکنش سامانه‌های رهگیری را کاهش دهد.

اهمیت این تحول در آن است که بازسازی توان موشکی لزوماً به‌معنای بازگشت به ترکیب تسلیحاتی پیش از جنگ نیست. استفاده از فناوری‌های مشترک در خانواده موشک‌های موجود می‌تواند امکان توسعه گونه‌های جدید را با تغییرات محدود در زنجیره تولید فراهم کند.

از منظر راهبردی، این تحولات نشان می‌دهد بازسازی توان دفاعی و تهاجمی ایران، در کنار مدیریت تنگه هرمز، دو مؤلفه مکمل در محاسبات بازدارندگی هستند. ایران برای جلوگیری از تکرار حملات، علاوه بر حفظ توان پاسخ، به قابلیت‌هایی نیاز دارد که محاسبه هزینه هر گونه عملیات نظامی تازه را برای طرف مقابل دشوارتر کند.

■ تل‌آویو؛ اختلاف بر سر ماجراجویی نظامی تازه

در همین حال، واشنگتن پست از افزایش اختلافات سیاسی و امنیتی در اسرائیل درباره احتمال حمله مجدد به ایران خبر داده است. نتانیاهو همچنان در تلاش است ترامپ را به ازسرگیری عملیات نظامی متقاعد کند؛ اما گادی آیزنکوت و شماری از مقام‌های امنیتی اسرائیل معتقدند در شرایط کنونی تهدید فوری‌ای وجود ندارد که اقدام نظامی پیش از تشکیل دولت جدید را ضروری کند.

این اختلاف در شرایطی مطرح شده که تشکیل دولت آینده اسرائیل با بن‌بست سیاسی مواجه بوده و موضوع ایران به یکی از محورهای اصلی رقابت نتانیاهو و آیزنکوت تبدیل شده است. برخی تحلیلگران اسرائیلی نیز احتمال داده‌اند تشدید تنش با ایران بتواند روند مذاکرات ائتلافی را تغییر دهد و موقعیت سیاسی نتانیاهو را تقویت کند.

برای ایران، این وضعیت به معنای منتفی شدن خطر حمله مجدد نیست؛ بلکه نشان می‌دهد تصمیم‌گیری درباره جنگ در تل‌آویو تنها تابع محاسبات نظامی نیست و رقابت‌های سیاسی داخلی نیز بر آن اثر می‌گذارد. در چنین شرایطی، حفظ آمادگی دفاعی و جلوگیری از شکل‌گیری محاسبات اشتباه، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

■ هرمز؛ اهرم فشار و آزمون بازدارندگی

مجموع تحولات اخیر نشان می‌دهد تقابل ایران و آمریکا وارد مرحله‌ای شده که در آن محاصره اقتصادی، امنیت کشتیرانی و توان نظامی به‌شدت به یکدیگر وابسته‌اند. مرکز سوفان نیز در تحلیل ۲۳ نوامبر، پایان دادن به محاصره دریایی را نخستین هدف کوتاه‌مدت ایران معرفی کرده است.

از این منظر، اهمیت تحولات هرمز برای ایران تنها در کاهش تردد کشتی‌ها یا افزایش هزینه حمل‌ونقل نیست؛ مسئله اصلی، جلوگیری از تثبیت وضعیتی است که در آن آمریکا بتواند بدون پرداخت هزینه متناسب، تجارت ایران را محدود کند و همزمان امنیت کشتیرانی منطقه را تحت مدیریت خود نگه دارد. اکنون آزمون اصلی آن است که ایران بتواند موقعیت راهبردی خود در هرمز را به نتیجه‌ای ملموس در رفع محاصره و تأمین منافع اقتصادی تبدیل کند. در این معادله، حفظ آمادگی دفاعی، مدیریت هوشمندانه عبور شناورها و استفاده از ظرفیت دیپلماسی منطقه‌ای باید در کنار یکدیگر قرار بگیرند. هرمز همچنان یکی از مهم‌ترین نقاط است که نتیجه تقابل بر سر آن می‌تواند بر آینده جنگ و ترتیبات امنیتی خلیج فارس اثر بگذارد.

گزارش

کارشناسان معتقدند رونمایی از دستاوردهای نظامی سپاه پاسداران و توان بازسازی قابلیت‌های دفاعی، محور بازدارندگی است

شهرهای موشکی؛ کابوس دشمن

فریده خسروی | در حالی که دشمنان ایران به ویژه رژیم منحوس صهیونیستی نگران سرعت بازسازی قابلیت‌های تولید موشک‌های بالستیک و تلاش ایران برای محافظت از زیرساخت‌های نظامی و هسته‌ای خود در برابر حملات است، هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرهای موشکی را به نمایش می‌گذارد و از دستاوردهای جدید خود همچون پرتابگر دوموشکی سوخت‌مایع رونمایی می‌کند. برای بررسی پیامی که این نمایش قدرت از سوی ایران برای دشمن دارد و پیش‌بینی اقدام‌های دشمنان، به سراغ کارشناسان مسائل غرب آسیا رفتیم.

■ فرهنگ عاشورایی، محاسبات آمریکایی‌ها را برهم زد

محمد پارسانجفی، کارشناس مسائل غرب آسیا در این باره در گفت‌وگو با قدس اظهار کرد: تصور اولیه صهیونیست‌ها و آمریکای مستکبر این بود که می‌توانند ظرف چند روز یا حداکثر چند هفته، ایران را شکست دهند؛ اما آن‌ها با واقعیتی به نام فرهنگ عاشورایی در ایران مواجه شدند؛ فرهنگی که بر نپذیرفتن تأکید دارد.

او افزود: ایرانی‌ها با همین باور و فرهنگ به میدان جنگ آمدند و حتی در دوران آتش‌بس نیز تلاش کردند در چارچوب آموزه‌های قرآنی درباره آمادگی و تقویت توان دفاعی، تجهیزات و امکانات خود را برای دفاع در آینده تقویت کنند تا در صورت وقوع حمله‌ای دوباره، آمادگی لازم برای دفاع از کشور را داشته باشند.

این کارشناس مسائل غرب آسیا خاطرنشان کرد: ایران و نیروهای مسلح کشور طی ماه‌های گذشته نشان داده‌اند که توانسته‌اند امکانات و تجهیزات خود را ارتقا دهند و آمادگی بیشتری برای دفاع از کشور در برابر حملات احتمالی آینده و حضور قدرتمند در درگیری‌های پیش رو بدست آورده‌اند. این اقدام‌ها نشان می‌دهد ملت ایران همچنان زنده و پویاست و نیروهای مسلح کشور از روحیه بسیار بالایی برخوردارند؛ چه در میدان جنگ و چه در عرصه طراحی و تولید تسلیحات. این واقعیت، محاسبات آمریکایی‌ها را بر هم می‌زند. نجفی با بیان اینکه ایران از تسلیحاتی استفاده می‌کند که در داخل کشور تولید شده‌اند و وابستگی مستقیمی به واردات سلاح از خارج ندارد، عنوان کرد: ایران تولیدکننده تسلیحات است و حتی یک گام فراتر رفته و به ساخت جنگ‌افزارهایی دست یافته که آمریکایی‌ها نیز به توانمندی آن‌ها اذعان کرده‌اند.

او متذکر شد: برخورداری از تجهیزات نظامی و توانایی طراحی و تولید آن‌ها، دست ایران را برای دفاع از کشور باز می‌گذارد و این امکان را فراهم می‌کند که هزینه‌های جنگ را به عقبه دشمن، یعنی شهرها و زندگی روزمره مردم آمریکا و متحدانش منتقل کند.

■ حمله برای جلوگیری از تشکیل دولت صهیونیستی

محمدعلی حسن‌نیا، کارشناس و پژوهشگر غرب آسیا نیز به خبرنگار قدس گفت: اسرائیلی‌ها اکنون به این جمع‌بندی رسیده‌اند که باید از فرصت باقیمانده تا پایان حضور ترامپ در کاخ سفید استفاده کنند و جنگ را به نقطه‌ای برسانند که بتوانند ایران را در حوزه‌های هسته‌ای و موشکی تا حد امکان تضعیف کنند.

حسن‌نیا عنوان کرد: ایران نیز پس از جنگ ۱۲ روزه به این درک رسیده است که در دوران ترامپ و به‌ویژه با وجود نتانیاهو، باید هر لحظه احتمال وقوع جنگی جدید را در نظر داشته باشد. به همین دلیل، افزایش برد موشک‌ها، ارتقای توان موشکی و بهبود مشخصات فنی آن‌ها را دنبال می‌کند. وی افزود: چرا که به نظر می‌رسد ایران این بار، برخلاف دور دوم جنگ و درگیری‌هایی که پس از آتش‌بس اتفاق افتاد، قصد دارد مستقیماً سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار دهد و حملات سنگین‌تری علیه اسرائیل انجام دهد. از این‌رو، دستاوردهایی که در حال حاضر از توان موشکی و هوافضای ایران منتشر می‌شود، بیش از هر چیز بر این موضوع تأکید دارد که ایران مصمم است در جنگ احتمالی جدید، ضربات دردناکی به اسرائیل وارد کند؛ همان طور که در جنگ ۴۰ روزه چنین ضرباتی را به برخی کشورهای عربی متحد آمریکا در منطقه وارد کرد.

این کارشناس غرب آسیا ادامه داد: از سوی دیگر، در شرایطی که هنوز دولت جدید اسرائیل تشکیل نشده، نتانیاهو به‌شدت به دنبال ایجاد جنگ و گسترش درگیری‌هاست؛ حتی ممکن است یکی از اهداف او، جلوگیری از تشکیل دولت باشد. دلیل این مسئله آن است که حکمرانی نتانیاهو بر پایه تنش و جنگ شکل گرفته و تداوم درگیری‌ها و بحران‌های منطقه‌ای به نفع او است. البته این مسئله به معنای آن نیست که اگر آیزنکوت به قدرت برسد، جنگی رخ نخواهد داد، بلکه او رویکرد و الگوی جنگی متفاوتی خواهد داشت و روش دیگری را دنبال می‌کند.

■ نمایش قدرت نظامی یعنی هزینه حمله بالا خواهد بود

علی‌رضا تقوی‌نیا، تحلیلگر مسائل سیاسی نیز به خبرنگار قدس درباره عجله نتانیاهو برای حمله به ایران بیان کرد: یکی از دلایل اصرار اسرائیل بر حمله به ایران، این است که نتانیاهو نمی‌خواهد از قدرت کنار برود و به دنبال حفظ جایگاه نخست‌وزیری خود است. او حاضر است حتی به قیمت قربانی کردن منافع رژیم صهیونیستی، در قدرت باقی بماند. او ادامه داد: از پیش از انتخابات آمریکا، دشمن به‌شدت درصدد ضربه زدن به ایران بود، اما عواملی که وجود داشت و سبب شد در حمله به ایران تأمل کند و فرصت مناسبی برای وارد کردن ضربه بدست نیاورد، ابتدا این بود که اهداف مورد نظر در دسترس دشمن نبود. دوم، انسجام ملی در ایران حفظ شده بود و یکی از مهم‌ترین عوامل نیز این بود که جمهوری اسلامی ایران توانمندی‌های موشکی و پهپادی خود را به‌شدت بازسازی کرده بود. در نتیجه توانسته بود این پیام را به دشمن منتقل کند که هزینه حمله به ایران بسیار بالا خواهد بود. این تحلیلگر مسائل سیاسی تأکید کرد: اقداماتی که ایران طی روزهای گذشته انجام داده از جمله رونمایی از شهر موشکی و شلیک‌های متعدد موشکی که شاید اخبار آن‌ها به‌طور گسترده منتشر نشود، اما مردم شاهد آن هستند، از سوی دشمن به‌دقت رصد می‌شود. دشمن این تحولات را دنبال می‌کند و از قابلیت‌های ایران آگاه می‌شود؛ به همین دلیل، ناچار است با احتیاط و ملاحظات بسیار بیشتری در قبال ایران رفتار کند.

تقوی‌نیا متذکر شد: قطعاً این رونمایی‌ها بر ذهن تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان رژیم صهیونیستی و آمریکا تأثیر خواهد گذاشت. با این حال، به اعتقاد من، از آنجا که تقابل اسرائیل با ایران موجودیتی است، نمی‌توان لزوماً نتیجه گرفت که این اقدام‌ها به‌طور ۱۰۰ درصدی مانع وقوع جنگ خواهد شد و رژیم صهیونیستی اکنون مانند مار زخم‌خورده‌ای است که هر لحظه ممکن است علیه ایران دست به اقداماتی بزند.

فراخبر

اعتراف روزنامه جروزالم پست

ترامپ در دام ایران گرفتار شده و اسرائیل را تنها گذاشته

گروه سیاسی | «ترامپ در دام استراتژیک ایران می‌افتد و اسرائیل را با پیامدهای آن تنها می‌گذارد» این جمله کلیدی گزارش روزنامه اسرائیلی جروزالم پست است که روز گذشته در این رسانه منتشر شده است.

نویسنده این گزارش نوشته است: «رئیس جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، به نظر می‌رسد در حال افتادن به دام استراتژیکی است که رژیم ایران برای او پهن کرده است. این دام می‌تواند دستاوردهای عملیات «شیر غرّان»(!) را تضعیف کند و هم اسرائیل و هم کشورهای خلیج فارس را در معرض خطر جدی قرار دهد».

نویسنده معتقد است: «ترامپ طنابی را که پس از عملیات نظامی دور گردن رژیم ایران پیچیده شده بود، اکنون به گردن خود و متحدانش در خلیج فارس انداخته است. واشنگتن پس از ضربات نظامی، معتقد بود با تشدید تحریم‌های سخت اقتصادی، برقراری محاصره دریایی و تهدید به حملات بیشتر به اهداف استراتژیک (مانند زیرساخت‌های ملی) می‌تواند تهران را به پای میز مذاکره و تسلیم بکشاند. اما در عمل، فشارها رژیم ایران را مطیع نکرده، بلکه وضعیت را به وضعیتی خطرناک تبدیل کرده که در این حالت، ایران برای آمریکا کمین گذاشته است».

نویسنده ادامه می‌دهد: «هرچند آمریکا رژیم ایران را در موقعیت دشواری قرار داد، اما به محض اینکه ترامپ تردید نشان داد و از ادامه کارزار نظامی گسترده ابراز نگرانی کرد، تندروها در داخل رژیم بر عمل‌گرایان غلبه یافتند. اکنون رویکردی حتی جنگ‌طلبانه‌تر در برابر آمریکا در پیش گرفته‌اند و حاضر به پذیرش هیچ یک از خواسته‌های واشنگتن نیستند. با وجود فروپاشی اقتصادی، ایران هنوز بی‌قدرت نیست».

نویسنده گزارش روزنامه اسرائیلی جروزالم پست در ادامه به سه کارت استراتژیک مهم اشاره می‌کند که به باور او، تهران در دست دارد تا برتری آمریکا را خنثی کند؛

«تنگه هرمز: اعلام محاصره آسان است، اما تضمین عبور آزاد نفتکش‌ها در برابر ایرانی که می‌تواند با ابزارهای نسبتاً ساده تردد دریایی را مختل کند، بسیار دشوارتر است. این کارت غیرمنتظره‌ترین و مهم‌ترین ابزار فشار ایران شده است.

آسیب‌پذیری نیروهای آمریکایی: حدود ۵۰ هزار سرباز آمریکایی در پایگاه‌های منطقه مستقر هستند و در معرض آتش ایران قرار دارند. این موضوع می‌تواند تلفات سنگین به بار آورد و تأسیسات نظامی، هواپیماها و سامانه‌های تسلیحاتی پیشرفته را تهدید کند.

تهدید کشورهای خلیج فارس: زرادخانه موشکی، راکتی، پهپادی و پهپادهای ایران که پس از آتش‌بس دوباره تکمیل شده، مستقیماً تأسیسات نفتی متحدان آمریکا را تهدید می‌کند. همراه با نیروهای نیابتی ایران در منطقه، این تهدید می‌تواند کشورهای خلیج را به گروگان بگیرد.

این ترکیب، دام کلاسیکی برای آمریکا ایجاد کرده است. کاخ سفید نمی‌خواهد وارد تشدید نظامی گسترده شود بنابراین تلاش می‌کند زمان بخرد و با فشار اقتصادی، اقتصاد ایران را تا حد فروپاشی فرسوده کند. اما این تاکتیک تأخیری همچنان گزینه‌های کمی برای تهران باقی گذاشته، زیرا ایران قصد ندارد از برنامه هسته‌ای، موشک‌های بالستیک یا کنترل خود بر تنگه هرمز دست بکشد. به نفع ایران است که قواعد بازی را بشکند؛ نه لزوماً به صورت ناگهانی و یک‌جا، بلکه تدریجی، در حالی که همیشه در را به روی گفت‌وگو باز نگه دارد. در عمل این به معنای بازی دوگانه است؛ درست مانند چانه‌زنی در بازار. ایران اکنون می‌تواند بین تشدید کنترل شده (که بازدارندگی آمریکا را فرسوده می‌کند) یا حرکت نظامی غافلگیرکننده‌ای که محاصره را بشکند و کشورهای خلیج را بترساند، یکی را انتخاب کند. این در حالی است که واشنگتن دقیقاً در حال تلاش برای اجتناب از رویارویی است».

نویسنده ادامه می‌دهد: «در حالی که حلقه دام به دور آمریکا تنگ‌تر می‌شود، اسرائیل با یک معضل استراتژیک روبه‌رو است. آمریکا می‌تواند از هزاران کیلومتر دورتر جنگ فرسایشی را تحمل کند، اما این تاکتیک‌های تأخیری برای اسرائیل می‌تواند به تهدید وجودی تبدیل شود و دستاوردهای استراتژیک عملیات شیر غرّان را از بین ببرد. هر روزی که ترامپ از پیگیری نتیجه قطعی خودداری می‌کند، روز دیگری است که ایران زرادخانه موشکی خود را بازسازی و موقعیت خود را به عنوان کشوری در آستانه هسته‌ای تثبیت می‌کند. اسرائیل اکنون در حاشیه ایستاده و تماشا می‌کند که آمریکا به دام ایران می‌افتد، در حالی که می‌داند خودش نخستین قربانی پیامدها خواهد بود؛ آن هم در برابر دشمنی زخمی که نشان داده حاضر است همه چیز را به خطر بیندازد. این انتظار پرتنش به معنای واگذاری ابتکار عمل به تهران است. اورشلیم تحت فشار فزاینده‌ای قرار دارد تا تصمیم بگیرد: آیا باید همچنان منتظر واشنگتن بماند و خطر غافلگیری دردناک از سوی ایران را بپذیرد یا خودش پیشدستی کند».